



خلاصه جلسه قبل: بحث ما منتهی شد به بررسی وضعیت دلالت ادله ممنوعیت اهدای جنین در جایی که نطفه و تخمک هردو از اجنبی باشد و در رحم زوجه قرار داده شود و دلالت این ادله را در فروض دیگر مسئله بررسی می کردیم. گفته شد که برای استدلال به ممنوعیت اهدای جنین عمدتاً به چهار دسته از آیات و روایات استدلال کردیم که عبارت بودند از:

۱. آیه امر به حفظ فرج.

۲. طایفه ای از روایات که متضمن اناطه حلّ فرج به نکاح بود که در معتبره سکونی اینطور آمده بود «تَحِلُّ الْفُرُوجُ بِثَلَاثِ نِكَاحٍ بِمِيزَاتٍ وَ نِكَاحٍ بِلَا مِيزَاتٍ وَ نِكَاحٍ بِمِلْكِ الْيَمِينِ».

۳. برخی از روایات متضمن وعید بود به قرار دادن نطفه در رحم محرم یا در رحمی که برای صاحب نطفه حلال نیست.
۴. صحیح زراره و محمد بن مسلم که متضمن عدم مشروعیت اجتماع ماء رجل در خمس بود «لَا يَجْمَعُ مَاءُهُ فِي خَمْسٍ». آنچه گفته شد در ناحیه انجام این کار بود و در ناحیه ملاسّات هم روایاتی بود که دلالت داشتند بر حرمت نفی نسب محقق و اثبات نسب غیر محقق. و همچنین یکی از عناوین مهمی که در این فروض تأثیرگذار است مسئله تسبیب به انعقاد ولدی است که پدر او ناشناخته باشد و فرزند بودن آن برای شخص مشخصی معلوم نشود که از آن تعبیر شده بود در برخی روایات که فرزند «لَا يَعْلَمُ مِنْ ابُوهِ» یا زن «لَا تَدْرِي مِنْ احْبِلُهَا». این عناوینی بود که در مسئله اهدای جنین داشتیم.

فروض مسئله

فروضی که در مسئله وجود دارد عبارت اند از:

۱. تخمک و اسپرم هر دو اهدایی است.
۲. فقط اسپرم اهدایی است.
۳. فقط تخمک اهدایی است.
۴. قرار دادن نطفه تلقیح شده در رحم دختر مجرد.
۵. فرض پنجمی هم وجود دارد که عبارت است از تسبیب به مولود خارج رحم، گفته می شود الآن واقع نمی شود اما نطفه را از زن و مرد اجنبی در خارج رحم تلقیح می کنند و مراحل تکوّن جنین صورت می گیرد بدون انتقال به رحم، یعنی در مرحله نطفه بودن تکوّن پیدا می کند یعنی مثل آنچه که در روایات آمده بود «چهل روز»، ممکن است گفته شود قدرمقیّن در حدّ بیست روز؛ چون به نظر ما در مراحل متأخر از عنوان نطفه بودن عرفی که به معنای ماء قلیل است صدق آن مقدار مشکوک می شود یعنی حالت شبهه مفهومی پیدا می کند. آنچه در فتاوی برخی بزرگان نقل شد ممکن است در این مرحله اما و اگر پیدا کند و مطابق آنچه ایشان فرموده منعی ندارد ممکن است در مرحله مضغه و علقه، در این موارد مشکل کمتر باشد که اشاره خواهیم کرد.

بعد از تلقیح، صدق نطفه می کند و لذا در روایات ما از نطفه مُلقحه تا چهل روز تعبیر به نطفه شده است. نطفه به معنای ماء قلیل است. نطفه مرد هم صدق می کند (نطفه مرد قبل از ترکیب و نطفه مرد بعد از ترکیب) و «اَقَرَّ نطفته» صدق می کند به این معنا که نطفه مرد وجود دارد اما به همراه آن تخمک هم وجود دارد بنابراین بعد از ترکیب نطفه با تخمک، صدق نطفه مرد می کند. بعد از اینکه نطفه با تخمک ترکیب شد اینطور نیست که وحدت حقیقی پیدا کند بعد از ترکیب، نطفه



مرد هم صدق می کند و ماهیت آن تغییر نکرده است.

بله بعد از اینکه تبدیل به علقه شد، صدق نطفه نمی کند و خون بسته خواهد بود.

۶. فرض ششمی هم مطرح کردیم و آن این است که اگر بنا باشد که هر یک از تخمک و نطفه تخصیص پیدا کند به ترکیبی به این معنا که مثلاً هسته اسپرم مرد را انتزاع کنند از باب اینکه در باردار کردن مشکل دارد و هسته نطفه مرد دیگری را در آن قرار دهند. این معنا در تخمک زن هم قابل تصویر است مثلاً هسته تخمک زن را انتزاع کنند و آن را بیرون بیاورند و هسته تخمک زن دیگری را در آن قرار دهند.

اینطور گفته می شود که تخمک زن، مشتمل بر یک پوسته و مشتمل بر یک هسته است. مثلاً تخمک یک زن قابلیت بارور شدن را ندارد و یکی از طرق بارور کردن آن این است که هسته تخمک را از پوسته آن در می آورند و هسته تخمک زن دیگری را در آن پوسته قرار می دهند و بعد از آن تبدیل به یک تخمک کامل می شود.

نکته: فرضی که اسپرم و تخمک خود زن و شوهر در خارج رحم تلقیح می شوند، ما این را جزء این فروض ششگانه محسوب نکردیم و گفتیم که اینصورت نه تکلیفاً مشکلی دارد و نه وضعاً، (مگر مخالفتی که مرحوم آقای حکیم داشتند). ما ادله را نسبت به فرض اول از این فروض ششگانه مباشرتاً بررسی کردیم. بحث منتهی شد به دو فرض بعدی، یعنی فرضی که اسپرم از اجنبی است و فرضی که تخمک از اجنبی است. نسبت به فرضی که فقط اسپرم از اجنبی است بحث ما گذشت و حکم وضعی و تکلیفی آن بیان شد بحث ما در فرضی بود که اسپرم شوهر با تخمک زن اجنبی تلقیح شده و در رحم زوجه قرار می گیرد.

مسئله چهارم: تلقیح اسپرم شوهر با تخمک زن اجنبی و قرار دادن آن در رحم زوجه

فرض دیگر که وجود دارد این است که فقط تخمک اهدایی است و اسپرم از خود شوهر می باشد و ایندو تلقیح شده و در رحم زوجه قرار می گیرند.

بررسی حکم تکلیفی

مقتضای آیه حفظ فرج

گفتیم که اگر آیه «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» ملاک باشد، آیه نسبت به این فرض قصوری ندارد یعنی به لحاظ تخمک مزروع، آیه قصوری ندارد؛ چون همان طوری که نطفه اجنبی را در رحم زن قرار دادن خلاف تحفظ بر فرج است قرار دادن تخمک اجنبیه در رحم این زن هم خلاف امر به تحفظ زن بر فرج خودش است. گفتیم که مراد آیه، تحفظ بر فرج از امر مناسب با فرج است و هم اسپرم مرد اجنبی را شامل می شود و هم شامل تخمک زن اجنبیه می شود؛ چون هردو از مناسبات استیلاست.

آیه می فرماید زنان مؤمن بر فرجشان تحفظ کنند در آیه نیامده که زنان تحفظ بر فرج کنند از کار حرام، خود اینکه فرموده تحفظ بر فرج کنند، تعیین کنند حرام است. اگر تخمک زن اجنبیه در رحم زوجه قرار گیرد، تحفظ بر فرج از تخمک اجنبیه



نکرده است لذا در اینصورت صدق می کند که این زن تحفظ بر فرج نکرده است. به نظر ما اگر پذیرفتیم که نسبت به نطفه اجنبی، تحفظ بر زن واجب است، این نکته شامل تخمک هم می شود یعنی بر زن واجب است نسبت به تخمک سایر زنان تحفظ کند.

مقتضای روایات اناطه حل فرج به نکاح

نسبت به معتبره سکونی (تَجِلُّ الْفُرُوجُ بِثَلَاثِ نِكَاحٍ بِمِيزَاتٍ وَ نِكَاحٍ بِلَا مِيزَاتٍ وَ نِكَاحٍ بِمِلْكِ الْيَمِينِ) هم می گوئیم قصوری وجود ندارد و شامل مانحن فیه می شود و قرار دادن تخمک اجنبی (که با اسپرم شوهر تلقیح شده) در رحم زوجه حلال نیست.

بله روایت علی بن سالم (إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلًا أَقَرَّ نُطْفَتَهُ فِي رَحِمٍ يَحْرُمُ عَلَيْهِ) شامل این فرض نمی شود، چون فقط تخمک اجنبی در رحم این زن قرار داده می شود نه نطفه مرد اجنبی.

اشکال: گفته نشود که شما گفتید در آنجایی که رجل موضوع حکم قرار بگیرد مانند «رجل شک بین الثلاث و الأربع»، شامل زن هم می شود و اگر زن شک کند حکم آن همین است و با حکم مرد فرقی نمی کند از باب الغای خصوصیت عامی که ظهور با آن مساعد است لذا در مانحن فیه هم اگر زن نطفه خودش را (یعنی تخمک خودش) در رحم اجنبی قرار دهد روایت شامل او می شود و این کار حرام خواهد بود. به تخمک زن، نطفه زن هم می گویند نطفه یعنی ماء قليل.^۱

جواب: آن رجلی که گفتیم از آن الغای خصوصیت می شود و در مورد زن هم حکم جاری می شود، رجل به معنای مرد در مقابل آنثی است نه مرد در مقابل زوجه، آنچه که در این روایت آمده «رَجُلًا أَقَرَّ نُطْفَتَهُ رَحِمٍ يَحْرُمُ عَلَيْهِ» است و در مورد زن «رَحِمٍ تَحْرُمُ عَلَيْهَا» معنا ندارد. رحم محرم فقط برای مرد صدق می کند و نسبت به زن، رحم محرم صدق نمی کند؛ چون زن قدرت بر مجامعت ندارد تا گفته شود رحم این زن بر این زن حرام است.

بنابراین این روایت اطلاق ندارد یعنی اگر کسی دلالت آیه را نپذیرد و مدرک در اهدای جنین روایت علی بن سالم یا خبر اشعثیات باشد (مَا مِنْ ذَنْبٍ أَكْثَرُ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بَعْدَ الشَّرِّكِ مِنْ نُطْفَةِ حَرَامٍ وَضَعَهَا امْرَأٌ فِي رَحِمٍ لَا تَجِلُّ لَهُ)، شامل تخمک زن نمی شود.

مقتضای صحیح زراره و محمد بن مسلم

اوضح در عدم شمول نسبت به مانحن فیه، صحیح زراره و محمد بن مسلم است (إِذَا جَمَعَ الرَّجُلُ أَرْبَعًا وَ طَلَّقَ إِحْدَاهُنَّ فَلَا يَتَزَوَّجُ الْخَامِسَةَ حَتَّى تَنْقَضِيَ عِدَّةُ الْمَرْأَةِ الَّتِي طَلَّقَ وَ قَالَ لَا يَجْمَعُ مَاءَهُ فِي حَمْسٍ)، این روایت اصلا در مورد زن موضوع و مصداق ندارد. بنابراین فقط روایت سکونی و آیه دلالت دارند.

۱. علل الشرائع؛ ج ۱؛ ص ۲: «...فَإِذَا سَبَقَ نُطْفَةُ الرَّجُلِ نُطْفَةَ الْمَرْأَةِ إِلَى الرَّجَمِ خَرَجَ شَبَهُ الْوَلَدِ إِلَى أَعْمَامِهِ وَ مِنْ نُطْفَةِ الرَّجُلِ يَكُونُ الْعَظْمُ وَ الْعَصَبُ وَ إِذَا سَبَقَ نُطْفَةُ الْمَرْأَةِ نُطْفَةُ الرَّجُلِ إِلَى الرَّجَمِ خَرَجَ شَبَهُ الْوَلَدِ إِلَى أَحْوَالِهِ وَ مِنْ نُطْفَتِهَا...».



بررسی حکم وضعی

این فرزند متولد شده بچه شوهر است چون از نطفه او خلق شده است. نسبت به مادر این بچه، همان نزاع مسئله قبل وجود دارد که معیار در مادر بودن چیست؟ آیا معیار این است که بچه از تخمک او باشد؟ یا معیار این است که بچه در رحم او بوده و او را به دنیا آورده است؟

نکته: از این جهت که این کار تسبیب به ولد است که معلوم نیست فرزند چه کسی است؟ از این حیث اینطور می‌گوییم که اگر این مسئله فقط مربوط به مرد باشد یعنی فرزند چه مردی است؟ یعنی تسبیب به فرزند است که پدر او معلوم نیست، چنین کاری جایز نیست شامل مانحن فیه نمی‌شود چون پدر این بچه مشخص است و شوهر زن می‌باشد و اینکه معلوم نباشد تخمک از چه کسی هست و معلوم نباشد مادر این بچه چه کسی است، این مهم نیست.

اما اگر الغای خصوصیت کردیم و گفتیم که تسبیب به ولد است که مادر او معلوم نیست هم جایز نیست در اینصورت شامل مانحن فیه می‌شود و این تسبیب جایز نخواهد بود. اما اگر الغای خصوصیت نکردیم و گفتیم فقط مربوط به آنجایی است که شخص نمی‌داند پدرش کیست؟ شامل این فرض نمی‌شود چون معیار در نسب عرفا پدر است.

بله اگر معیار در مادر بودن، تخمک باشد، جایز نیست فرزند را به این زن نسبت دهند که از تخمک او نیست و همچنین جایز نیست فرزند را از صاحب تخمک نفی کنند.

در مقام، سه فرض دیگر باقی می‌ماند که باید بررسی شوند.

والحمد لله رب العالمین